

نکته
P O T N T

شکاف در آمدی در اروپا

در سال‌های اخیر، بحران هزینه‌های زندگی در اروپا شدت یافته؛ بحرانی که به دنبال جنگ اوکراین و مشکلات عرضه پس از همه‌گیری کرونا رخ داد. با وجود کاهش نرخ تورم به هدف ۲ درصدی بانک مرکزی اروپا، بسیاری از خانوارها هنوز در مواجهه با دشواری‌های مالی هستند و مجبور به محدود کردن هزینه‌ها می‌شوند. در این میان، یکی از معیارهای مهم برای بررسی وضعیت درآمد خانوارها، «میانۀ درآمد خالص معادل» است که نشان‌دهنده درآمد افراد پس از مالیات و به‌طور خاص برای اندازه‌خانوآر تعدیل شده است.

این شاخص در کشورهای مختلف اروپایی تفاوت زیادی دارد. در سال ۲۰۲۴، میزان درآمد خالص معادل در ۳۴ کشور اروپایی از ۳۰۷۵ یورو در آلبانی تا ۷۹۹۶ یورو در لوکزامبورگ متغیر است. در اتحادیه اروپا، میانۀ درآمد معادل ۲۱۵۸۲ یورو است که در مقایسه با کشورهای مختلف تفاوت قابل توجهی دارد. به‌طور خاص، سوئیس و نروژ در صدر لیست قرار دارند، در حالی که کشورهای اروپای شرقی نظیر بلغارستان و رومانی، به ترتیب با میانۀ درآمد معادل ۷۸۱۱ یورو و کمتر از ۱۰۰۰ یورو در پایین‌ترین رده‌ها قرار دارند.

این تفاوت‌ها نه تنها بر اساس کشورها، بلکه بر اساس ساختار اقتصادی و بهره‌وری نیز تفاوت دارند. به‌طور کلی، کشورهای اروپای غربی و شمالی درآمدهای بالاتری دارند، در حالی که کشورهای جنوبی و شرقی عمدتاً در رتبه‌های پایین‌تر قرار دارند. برای مثال، شکاف درآمدی بین لوکزامبورگ و بلغارستان از ۴۰۰۰ یورو فراتر می‌رود. به گفته دکتر استفانو فیلاورو، استاد

دانشگاه ساینزپارام، این تفاوت‌ها ناشی از عواملی همچون مسیرهای تاریخی رشد، صنعتی شدن و توسعه رفاه است که در طول زمان بر این شکاف تأثیر گذاشته‌اند. در این مسیر، برخی کشورها با توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و بخش‌های صنعتی، به‌ویژه در بخش‌هایی چون مالی، فناوری اطلاعات و تولید پیشرفته، موفق به ایجاد فرصت‌های شغلی با دستمزدهای بالاتر شده‌اند. علاوه بر این، بهره‌وری نقش مهمی در تعیین درآمدهای کشورها دارد. طبق گفته جولیا دلازاری، اقتصاددان سازمان بین‌المللی کار، کشورهای با بهره‌وری بالاتر قادر به حفظ دستمزدهای بالاتر هستند. این کشورها عمدتاً در بخش‌های صنعتی و تولید پیشرفته یا در حوزه‌هایی همچون مالی و فناوری اطلاعات فعالیت دارند. در مقابل، کشورهایی که به بخش‌هایی مانند کشاورزی و خدمات اساسی متکی هستند، دستمزدهای پایین‌تری پرداخت می‌کنند. در این راستا، برخی از کشورهای شرقی و جنوبی اروپا که در حال گذار از اقتصاد کشاورزی به سمت صنعتی شدن هستند، همچنان با چالش‌هایی در تأمین دستمزدهای رقابتی روبرو هستند. اگرچه با تعدیل قدرت خرید، شکاف‌های درآمدی تاحدی کاهش می‌یابد، اما هنوز تفاوت‌ها قابل توجه باقی می‌ماند. هنگامی که درآمد‌ها با استفاده از «استاندارد قدرت خرید» (PPS) تعدیل می‌شود، شکاف بین کشورهای مختلف کمتری می‌شود، اما هنوز به‌طور مشخص تفاوت‌های بزرگی بین کشورهای اروپایی وجود دارد. برای مثال، در حالی که میانۀ درآمد خالص معادل در آلبانی به ۵۰۹۸ PPS می‌رسد، در لوکزامبورگ این عدد به ۳۷۷۸۱ PPS می‌رسد. میانۀ اتحادیه اروپا در این شاخص ۲۱۲۴۵ واحد پولی است، که نشان‌دهنده شکاف زیادی است. همچنین، در میان چهار اقتصاد بزرگ اتحادیه اروپا، آلمان و فرانسه همچنان بالاتر از میانگین قرار دارند، در حالی که ایتالیا و اسپانیا با فاصله درده‌های پایین‌تر از آنها قرار دارند.

حمیدرضا علی‌نیا

روزنامه نگار



ممدانی یا یک راننده تاکسی دست می‌دهد، او در ارتباطی مستقیم با مردم یا داور برخاستن مسئولی از میان خود آنهاست. شهردار جدید نیویورک در شب پیروزی پشت تریبون ایستاده تا پیام خود را به نیویورکی‌ها منتقل کند.

تحول سیاسی نیویورک در دستان ممدانی

ظُهران ممدانی، نخستین شهردار مسلمان نیویورک، با عبور از موانع سیاسی و فرهنگی، نه تنها در برابر پیش‌بینی‌ها ایستاد بلکه چشم‌انداز جدیدی از سیاست شهری را رقم زد



«سوما یا چودری» ساکن بی‌ساید در کوینز گفت: «من زود رأی دادم و بعد گریه کردم»، جمله که از رأی‌دهندگان بسیاری شنیده می‌شد که برای اولین بار رأی می‌دادند. «چودری» ادامه می‌دهد: «قبل از این، هیچ وقت تصور نمی‌کردم یک مسلمان شهردار نیویورک شود.» پیام «ممدانی» درباره هزینه‌ها، مقرون به‌صرفه‌بودن و عدالت اجتماعی در محله‌هایی مانند «آستوریا» طنین‌انداز شد؛ جایی که هزینه‌های بالای زندگی در شهر برای مستأجران، کاربران حمل‌ونقل عمومی و کارگران مهاجر تبدیل به جنگ هر روزه شده است.

اما تنها پیام کارزار او نبود که حمایت مردم را جلب کرد. کارزار «ممدانی» عمیقاً شخصی هم بود، با ریشه‌هایی در ایمان مذهبی‌اش و پتانسیل رهبری سیاسی که بسیاری از نیویورکی‌ها را متعجب کرد. او با بازدید از بیش از ۵۰ مسجد در سراسر شهر و شرکت در مناسک مذهبی باهم‌کیشانش توانست ارتباطی عمیق و انسانی با رأی‌دهندگان برقرار کند. «ممدانی» در نیویورک با مردم‌نما می‌خواند و عملاً در سنت‌هایشان شریک شد. این تصویر ایمان، به‌ویژه در میان مسلمانان نیویورک که پس از ۱۱ سپتامبر با دهه‌ها اسلام‌هراسی و حس‌طردشگی روبه‌رو بودند، ارتباط عمیقی برقرار کرد. «اسد ندنیا» تاریخ‌نگار عمومی و سازمان‌دهنده اجتماعی می‌گوید: «ما درباره نیویورک به‌عنوان یک دیگ هفت قلم جوش صحبت می‌کنیم؛ مکانی که همه می‌توانند در آن جا بیفتند.» او در مصاحبه با نیویورک تایمز ادامه داد: «بخشی از من احساس می‌کرد که نیویورک هنوز آماده یک شهردار مسلمان نیست. اما به نظر می‌رسد که حالا یکی داریم.»

زمینه‌های سیاسی و فرهنگی

پیروزی «ممدانی» در زمانی رخ می‌دهد که قطب‌بندی سیاسی شدید شده است. آمریکا به شدت دچار تقسیمات سیاسی است. محافظه‌کاری فرهنگی در حال افزایش است و حزب جمهوری خواه نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی گفتمان عمومی دارد. مسائل نژاد، مهاجرت و «جنگ‌های فرهنگی» در کانون توجه

پیروزی «ظُهران ممدانی»، نخستین شهردار مسلمان نیویورک، در انتخابات شهرداری ۲۰۲۵، به شدت تحلیلگران سیاسی را شگفت‌زده کرد. این پیروزی نه تنها یک شوک سیاسی عظیم بود، بلکه ساختارهای سیاسی مستقر را دگرگون کرد و چشم‌انداز سیاسی محلی را به گونه‌ای تغییر داد که بسیاری از پیش‌بینی‌ها از آن عاجز بودند. ممدانی، که خود را سوسیالیست دموکرات می‌داند، نمادی از تغییرات اجتماعی و فرهنگی است که در نیویورک، شهری با تاریخ پیچیده نژادی و طبقات اجتماعی، به وقوع پیوست. پیروزی او بازتابی از یک موج اجتماعی بود که در آن، جوامع مسلمان و آسیای جنوبی در محله‌هایی مانند کوینز، به‌عنوان بخش‌های حاشیه‌ای جامعه، برای اولین بار احساس دیده‌شدن کردند. در شب انتخابات، در کافه‌ای شلوغ در کوینز، شعار «ممدانی» فضا را پر کرده بود؛ لحظه‌ای که برای بسیاری از ساکنان این محله‌ها، نماد تغییر و امید بود. پیروزی ممدانی بیش از آنکه صرفاً یک پیروزی سیاسی باشد، نمایانگر یک تغییر فرهنگی عمیق در جامعه‌ای است که به‌طور تاریخی از نژاد، طبقه و ایدئولوژی‌های مختلف تقسیم شده بود.

طبقه، مذهب و جمع ناراضیان

پیروزی «ممدانی» تنها به هویت او مربوط نمی‌شد. این پیروزی از پیام کارزار انتخاباتی او در خصوص رسیدگی به هزینه‌های بالای زندگی در شهر نیویورک نشأت می‌گرفت، مسأله‌ای که با بسیاری از رأی‌دهندگان طبقه کارگر همصدایی داشت. در محله‌های مختلف، از «کوینز» گرفته تا «برانکس»، ممدانی نه تنها دموکرات‌های همیشگی را در صف رأی‌دهندگان خود داشت، بلکه بسیاری از طرفدارانش از جوامع کمتر دیده‌شده و بدون نماینده جذب شده بودند، از جمله جوانان و خانواده‌های مهاجر که بسیاری از آن‌ها هیچ‌گاه پیشتر در انتخابات شرکت نکرده بودند. او توانست این صداها را از طریق ترکیبی قدرتمند از هوشمندی در استفاده از رسانه‌های اجتماعی، سازماندهی از پایین به بالا و پیامی روشنی فراتر از صرف هویت و شخصیتش بسیج کند.

است که در حال بازتعریف معنای پیشرو بودن در قرن بیست‌ویکم محسوب می‌شود. او نارضایتی روزافزون از وضعیت موجود را به یک استراتژی پیروزی تبدیل کرده که رأی‌دهندگان جدید را به پای صندوق‌های رأی می‌آورد.

در مسیر تحقق وعده‌ها

همزمان با آماده‌شدن «ممدانی» برای تصدی شهرداری، چالش‌های مهمی هم پیش‌روی او قرار دارد. فراتر مسئله برقراری تعادل میان سیاست‌های ایالتی و محلی، «ممدانی» در نبردی سیاسی با دولت ترامپ قرار دارد. با توجه به سیاست‌های ترامپ که بودجه بودجه فدرال برای نیویورک را تهدید می‌کند، برنامه پیشنهادی ممدانی شامل توقف افزایش اجاره‌ها، مراقبت‌های عمومی از کودکان، حمل‌ونقل عمومی رایگان و دستمزد مکفی، نه تنها با موانع مالی رودررو است، بلکه به حمایت از سوی فرماندار ایالت نیویورک هم نیاز دارد؛ کسی که در پشتیبانی از برخی از پیشنهادات بلندپروازانه ممدانی مردد بود.

نقش سیاست‌های فدرال در شکل‌دهی به شهرداری «ممدانی» غیرقابل انکار است. از احتمال استقرار نیروهای گارد ملی توسط ترامپ گرفته تا سرکوب‌های بیشتر در زمینه مهاجرت، احتمالاً شهردار جدید درگیر نبردهای سخت و بی‌پایانی خواهد شد، به ویژه زمانی که بحث بر سر رویکرد دولت فدرال به شهرهایی مانند نیویورک باشد. کارشناسان سیاسی بر این باورند که ممدانی باید بخش عمده‌ای از تلاش‌های خود را بر حفظ منافع شهر در برابر دخالت‌های فدرال متمرکز کند. این البته در حالی است که شهردار جدید تلاش دارد تا یک دستور کار پیشرو جهت پاسخ به نیازهای طبقه کارگر نیویورک را اجرایی کند، پاسخ به نیاز همان‌ها که او را شهردار کرده‌اند.

یکی از نوآوری‌های سیاسی کلیدی «ممدانی» توانایی او در متحد کردن گروه‌های مختلف، به‌ویژه در جوامع مهاجر طبقه کارگر بود. در محله‌هایی مانند آستوریا، آوزون پارک و جامائیکا، پیام «ممدانی» درباره مقرون به صرفه بودن و همبستگی اجتماعی به شدت مورد استقبال قرار گرفت. برای بسیاری از مسلمانان و آسیای جنوبی‌های طبقه کارگر در شهر، کارزار او فرصتی نادر بود تا تجارب زندگی‌شان را در یک رهبر سیاسی مشاهده کنند.

«رعنا عبدالحمید» سازمان‌دهنده اجتماعی در کوینز می‌گوید: «مسلمانان در سراسر شهر هستند. ما مدت‌هاست که ستون فقرات بسیاری از بخش‌های این شهر بوده‌ایم و حالا این زمان ماست.» منبع: نیویورکر



و گنجاندن صداهای حاشیه‌ای، چشم‌انداز سیاسی را برای سال‌ها شکل خواهند داد. شهر نیویورک تحت رهبری ممدانی وارد دورانی جدید می‌شود؛ دورانی که در آن قدرت جامعه، استحکام مقاومت و امید به آینده‌ای عادلانه‌تر و برابرتر، در کانون دفتر شهردار خواهد بود. این انتخاب، نمادی قدرتمند از تغییری است که در سراسر کشور در حال وقوع است.

انتخاب ظُهران ممدانی به‌عنوان شهردار نیویورک، فصلی جدید در تاریخ این شهر را رقم می‌زند. این فصل، مفروضات قدیمی را به چالش می‌کشد و با نیروهای سیاسی قدرتمند مقابله می‌کند. پیروزی ممدانی نه تنها انعکاسی از تغییرات جمعیتی و اجتماعی در نیویورک است که مدت‌ها مرکز زندگی مهاجران و طبقات کارگر بوده، بلکه بیانیه‌ای است در مورد آینده شهرهای آمریکایی؛ جایی که جنبش‌های مردمی، همبستگی طبقه کارگر

دوران جدید برای شهر ۹ میلیون نفری